

پیام

ای نادر نواذر ایام
دیدی گذشت و چون تودلیری
سوزد دلم برنج و شکبیت
وان رنج بی حساب تو
چندان که غم بجان تو بارید
باران به کوهسار نیامد
کت فر و بخت دیار نیامد
در صف کار زار نیامد
ای باغبان بهار نیامد
دردا چون هیچ در شمار نیامد
م - امید
اخوان ثالث

به برگزار کنندگان و شرکت کنندگان در بزرگداشت سالروز تولد دکتر محمد مصدق!
هم میهنان عزیز، برگزار کنندگان بزرگداشت سالروز تولد آموزگار بزرگمان، دکتر محمد مصدق،
خانمها و آقایان شرکت کننده در این بزرگداشت!

اقدام شما را تبریک میگویم و میستایم. به اردوگاه مصدقیها خوش آمدید. امیدوارم با شناخت هرچه بیشتر راه و مکتب
مصدق در به ثمر رسانیدن آرمانهای آن ابر مرد تاریخ مان هرچه بیشتر کوشا باشید. تابا همت همه هم میهنان میهن
پرست و پاکدل، بتوانیم کشورمان را از این بن بست نجات دهیم و در جهت شاهراه سعادت و رفاه و آسایش و امنیت و
پیشرفت و صلح گام بر داریم.

برای ما شرقیها که دوستی ها و دشمنی هایمان حد و مرزی ندارد و اسیر مرید و مراد بازی و مرشد و انواع این
چیزها هستیم، برخورد بدون تعصب و فئاتیسم به پدیده ها و شخصیتها بسیار مشکل است. با اینهمه در مورد دکتر
مصدق مسئله چیز دیگری است.

سراسر زندگی خصوصی و اجتماعی پر بار و دراز او با همه زیر و بمهایش، از همان آغاز جوانی تا به روزگار کهن
سالی و مرگ، از آنچنان شفافیت و روشنی ای برخوردار است که با همه کند و کاوهای دشمنان سر سخت داخلی و
خارجیش، نتوانسته اند نکته و برگی منفی در آن بیابند و با گذشت زمان و نوشتن کتابها و رساله ها و زیر و رو کردن
اسناد و مدارک داخلی و خارجی، شخصیت تابناک انسانی و ایرانی و ملی مصدق، هر چه بیشتر درخشانتر و
جذابتر میگردد و به درستی بصورت "نماد ملی" ما ملت در آمده است.

این شگفت انگیز نیست اگر امروز چپهای اصیل و مترقی و مستقل ایرانی، آنها نیکه بخاطر سعادت و رفاه و آسایش
مردم ایران، تنوریها و ایدئولوژیهای چپ را کار ساز میدانستند، دیروز و در همان حال به مصدق و راه و روش او نیز
به دیده احترام می نگریستند و امروز با رسیدن به این حقیقت که در شرایط فعلی تنوریها و ایدئولوژیهای چپ کار ساز
نیست، هر چه بیشتر و عمیقتر به راه مصدق می پیوندند و جای صحیح خود را در کنار ما پیروان دیرین مصدق می
یابند. این شگفت انگیز نیست که مذهبیین دیروز طرفدار خمینی امروز میکوشند با ترکیب نا متجانس و متضاد ملی-
مذهبی جای پانی در جبهه مصدقیها برای خود باز کنند. اما بدانید که ملی- مذهبیها در کنار مصدقیها جانی ندارند که
تجربه را تجربه کرده خطاست.

شخصیت ثابت و استوار و مستقل مصدق مانند رشته مقاومی است که دانه های ریز و درشتی را که نمایانگر حضور
مصدق در نقشهای گوناگون اجتماعی و سیاسی او می باشند بهم پیوسته است. که بصورت پر بارترین آموزش سیاسی
مجموعه ای می ماند که رهنمون ما مردم در صحنه های گوناگون مبارزه سیاسیمان شده است.
مصدق تجسم زنده میهن پرستی، نوع دوستی، انسانیت، اخلاق، فرهنگ و تمدن و شهروندی و قانونمداری و خرد گرایی
و درایت سیاسی، شجاعت و صداقت و استقامت و استواری در مبارزه و ارج گذاری به هموطنانش بوده است.

چه در زندگی خصوصی و شخصی و چه در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ما مصدقی را می بینیم که تحقق عینی
عالیترین صفات و خصائل انسانی میباشد. او مردی با حقیقت بود. او دشمن استبداد و استعمار و عقب ماندگی بود و در
این مبارزه ضد استبدادی و ضد استعماری و ضد عقب ماندگی تا پایان عمر از هیچ کوششی فرو گذار نکرد. این به آن
معنا نیست که او وجودی معصوم و خطا ناپذیر بود شاید کسانی اینجا و آنجا بدرستی کمبود ها و نقائصی را بخصوص
در دوران حکومت ملی در کارهای او ببینند. ما به مصدق نگاهی پیامبر گونه نداریم که از خطا و اشتباه مصون
باشد. باید توجه داشت که مرد سیاسی مرد تصمیم گیری و عمل است و بویژه در کار سیاست چه بسا برای حفظ حقوق
و منافع ملی مجبور به انتخاب میان بد و بد تر گردد.

شخصیت مصدق در عین حال که بالاتر و عامتر از هر گونه سازمان و تشکیلات بود، اما از آنجا که کار سیاسی هم مانند
هر کار دیگر ابزار خاص بخود را دارد و عمده ابزار کار سیاسی سازمان است، تشخیص صحیح او پیشنهاد مصدق
در این راستا، سازمانی بنام "جبهه ملی" بود.

مصدق با این نام توانست توده های ملت را در سراسر کشور بسیج کند و با نیروی آنان استعمار انگلیس را خلع ید
نماید. افسوس که گرفتاریهای زیاد و حاد آنروز مجال آنرا نداد که اقدام به تشکل سازمانی آنان نماید. نام مصدق با جبهه
ملی و نام جبهه ملی با مصدق عجین شده است. جبهه ملی ایران خانه سیاسی مصدق است. جای شگفتی نیست که
جذابیت این دو نام برای ایرانیها تا به آن حد است که حتی آنها که دیروز در رژیم آریامهری آنهمه ترور و اختناق و
زور و شکنجه و سانسور... آفریدند، امروز سعی میکنند خود را با ادعای نزدیکی و ائتلاف با مصدقیها و جبهه ملی
های اصیل، موجه و برای ملت قابل قبول نشان دهند. نه تنها این، که آنها که پول از سازمان سیا و دیگر سازمانهای
دولتهای خارجی دریافت کرده اند و یا در مقام کارمند در خدمت دستگاههای جاسوسی خارجی قرار گرفته اند، با استفاده
ابزاری از این نامها و خود را جبهه ملی نامیدند و زیر تمثال مصدق نشستن و مصدق گفتن، میکوشند این نام را
آلوده سازند و ماسک ملی مصدقی بر چهره زنند و حافظه سیاسی ملت را ببازی گیرند. تو گوئی نام مصدق و جبهه ملی

چشمه ایست مقدس که تبهکاران سیاسی از آن آب توبه بسر میریزند و خود را از گذشته سیاه خود پاک و مطهر میسازند.

جبهه ملی ایران نه به دوران حکومت ملی و نه پس از آن، نه به دوران حاکمیت ساواک آریامهری و نه به روزگار حکومت ملایان، نه توانست و نه گذاشتند شکل صحیح و در خور سازمانی خود را بیابد. رهبران جبهه ملی هم بخصوص در بحران جابجانی رژیم شاهنشاهی به نظام جمهوری اشتباهات بزرگی را مرتکب شدند. اما این ربطی به آن ندارد که مبارزه ما ملت مبارزه ایست ملی و سازمان در بر گیرنده نیروهای گوناگون ملت، سازمانی است جبهه ای که با تحقق پلورالیسم سیاسی و وجود احزاب و افراد و شخصیتها و عناصر گوناگون سیاسی، ائتلاف آنها با حفظ وابستگیهای سازمانی و گرایشهای عقیدتی خود، در سازمانی فراگیر و تجمع آنها بر اساس حیاتی ترین، مبرمترین و حاد ترین قدر مشترکات ما ملت، حالا با هر اسم که باشد، ضرورت زمان است. درحقیقت مبارزه ما از صدر مشروطیت تا کنون مبارزه ای ملی و جبهه ای بوده است که تاریخ گواه آن است. مشترکات ما از باب مثال عبارتند از " آزادی و دموکراسی، استقلال و دفاع از تمامیت ارضی، امنیت، خودکفائی و پیشرفت، تحقق حقوق برابر شهروندی برای یکایک شهروندان ایرانی از زن و مرد و در هر کجای کشور که هستند، دارای هر مذهب و اعتقاد و مسلک و زبان و فرهنگ و قومیت که باشند بر اساس سی ماده حقوق بشر و میثاقها و قرار دادهای بین المللی در چهار چوب سازمان ملل متحد، صلح و رابطه مسالمت آمیز با تمام ملتها و کشورها، حاکمیت قانون برخاسته از رأی آزاد مردم، جدائی کامل دین از ایدئولوژی از دولت و حکومت و اداره کشور، واگذاری حل و فصل امور و مشکلات روزانه مردم از سطح روستا تا استان به نهادهای انتخابی و رسمی آنان، حفظ محیط زیست، احترام و رعایت به ابتکار شخصی و در عین حال جلوگیری از استثمار انسان از انسان تا آنجا که ممکن است، کنترل رشد جمعیت و تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی، ممنوعیت مجازات اعدام و شاید اصولی دیگر...، که بایستی با گذشت بیش از یک صد سال مبارزه و ربع قرن حاکمیت دینی، رفته رفته با تجربه تلخی که از پراکندگی گذشته داریم به این حقایق رسیده باشیم.

خوشبختانه امروز چه در داخل و چه در خارج کشور، بخصوص جوانان و روشنفکران و کوشندگان سیاسی از زن و مرد به این حقیقت رسیده اند، و اعلامیه ها و منشور ها و نشستهای گوناگون، و از جمله این برگزاری شکوهمند نمونه های جاندار و امید بخشی از آن میباشند.

به امید آنروز که با نیروی لایزال ملت ایران، ما ایرانیان بتوانیم در ایرانی آباد و آزاد درکنار دیگر ملل جهان به یک زندگی پر افتخار و سرشار از عزت و شادی و آرامش و امنیت و حاکمیت قانون دست یابیم و شرف ملی خود را پاسدار باشیم، دست یکایک شما دوستان و حاضران در این جشن را میفشارم و برای همه آرزوی پیروزی در پیروی از راه مصدق بزرگ را دارم.

پیروز جبهه ملی ایران
اردیبهشت 1384

پاینده ایران

فرهنگ قاسمی

دکتر علی راسخ افشار

دکتر پرویز داورپناه